خراسان روزنامه صبح ایران
چهارشنبه ۲۹ دی ۱۳۹۵ . ۱۹ ربیع الثانی ۱۴۳۸ . شماره ۱۹۴۵۱

باند تهیه و توزیع سلاح در فضای سایبری متلاشی شد

باند تهیه و توزیع سلاح و مهمات در فضای سایبری در ایلام متلاشی شد. به گزارش خبرگزاری میزان، فرمانده انتظامی ایلام افزود: پلیس این باند را که به صورت گسترده اقدام به تهیه و توزیع سلاح و مهمات در فضای سایبری می کردند شناسایی کرده است. سردار نورعلی یاری افزود: با تلاش شبانه روزی پلیس فتا افراد این باند که در سه استان ایلام، کرمانشاه و خوزستان اقدام به قاچاق سلاح و مهمات می کردند دستگیر و تحویل مراجع قضایی شدند.

۲ کودک کار در آتش سوختند

دو کودک کار ۷ و ۸ ساله، زنده زنده در حریق یک گاراژ جمع آوری ضایعات سوختند. به گزارش خبرگزاری میزان، پدری پس از مدت ها برای خود کاری را دست و پا کرده بود. او در یک گاراژ که بخشی از آن به محلی برای جمع آوری ضایعات تبدیل شده، مشغول به کار شد و در کنار آن، پسر هایش را نیز با خود همراه کرد. آن روز هم، پسر بچه ها همانند روزهای دیگر، صبح زود از خواب برخاستند و تا ساعت ۱۰ صبح، نوبت اول ضایعات شان را جمع کردند. پس از آن هم راهی گاراژی که پدر در آن جا مشغول به کار است، شدند تا ضایعات را تحویل دهند. گاراژ در منطقه "غنی آباد" در شرق تهران واقع است. دو کودک زمانی که به گاراژ رسیدند، وارد اتاقی شدند که همیشه برای استراحت به آنجا می رفته اند. شعله بخاری را زیاد کردند تا کمی گرم شوند اما به یک باره کپسول گازی که متصل به بخاری بوده، ترکید و دو کودک جان خود را از دست دادند. الناز زارعی، مددکار اجتماعی موسسه خیریه مهرآفرین می گوید: این طور گزارش شده که در زمان حادثه، در اتاق به روی دو کودک قفل شده و آن ها پس از انفجار کپسول گاز، نتوانسته اند از محل خارج شوند. پدر این دو کودک نیز برای نجات جان فرزندان خود تلاش کرد که وارد اتاق شود و در نهایت نیز پس از ورود، دچار سوختگی شدید شد. در عین حال با توجه به مشکوک بودن این حریق و اعلام موضوع به پلیس، بازپرس ویژه قتل تحقیقات خود را در این باره آغاز کرد و پرونده این آتش سوزی در دادسرای امور جنایی (ویژه قتل) در حال رسیدگی است.

قتل در نزاع خیابانی

تصویر متهم به قتل

سجادپور- جوان ۲۲ ساله ای که در یک نزاع خیابانی، فردی را با ضربه قمه به قتل رسانده و برادر مقتول را نیز مجروح کرده بود، دقایقی بعد از ارتکاب جرم و در حالی که قصد فرار به مکان نامعلومی را داشت، توسط مأموران انتظامی دستگیر شد. به گزارش خراسان، شرور سابقه داری که با سپرده وثیقه به دادسرا آزاد شده بود، با دو جوان دیگر اختلاف پیدا کرد. این اختلاف در پی آن رخ داد که برادرزاده مقتول با متهم ارتباط داشت و آن ها قصد داشتند از ارتباط این جوان با یک فرد خلافکار جلوگیری کنند.

گزارش خراسان حاکی است، این اختلاف به حدی شدت گرفت که چند درگیری بین آن ها رخ داد. خانواده مقتول مدعی بودند که جوان ۲۲ ساله که فردی شرور است، شیشه های منزل آن ها را تخریب کرده است. در پی وقوع این حادثه، مرد ۴۰ ساله به همراه برادر ۳۴ ساله اش تصمیم گرفتند تا جوان مذکور را پیدا کنند و از او درباره تخریب شیشه ها بپرسند.

این ماجرا ادامه داشت، تا این که بعدازظهر روز گذشته دو برادر سوار بر خودرو بودند که اسماعیل را در بولوار شهید رستمی سوار بر موتورسیکلت دیدند و درگیری بین آن ها رخ داد. در این درگیری خونین، ناگهان جوان ۲۲ ساله، قمه اش را بیرون کشید و با ضرباتی که از پشت سر به جوان ۳۴ ساله زد، او را نقش بر زمین کرد و سپس به سوی مرد ۴۰ ساله حمله ور شد. او که همچنان خنجر خون آلود را در فضا می چرخاند، چهار ضربه هم به پاها و دستان مرد ۴۰ ساله زد و بدین ترتیب، هر دو نفر را مجروح کرد و از محل حادثه گریخت.

به دنبال وقوع این حادثه دلخراش، شهروندان مراتب را به نیروهای امدادی اطلاع دادند که با حضور مأموران اورژانس، مجروحان این حادثه به بیمارستان امدادی انتقال یافتند، اما تلاش کادر درمانی برای نجات جوان ۳۴ ساله بی نتیجه ماند و او بر اثر شدت عوارض ناشی از اصابت خنجر جان سپرد. دقایقی بعد با صدور دستوری از سوی سرهنگ محمد بوستانی (رئیس پلیس مشهد) خودروهای پلیس آژیرکشان وارد محل درگیری در ابتدای خیابان شهید رستمی ۲ شدند و با مشخصاتی که از شاهدان نزاع دریافت کردند، به تعقیب متهم موتورسوار پرداختند. در این عملیات پلیسی که با فرماندهی سرگرد ملکی (رئیس کلانتری مصلی) انجام شد، مأموران انتظامی با راهنمایی های قاضی علی اکبر احمدی نژاد (قاضی ویژه قتل عمد) موفق شدند مخفیگاه متهم فراری را شناسایی کنند. مأموران که می دانستند هرگونه تأخیر در اجرای عملیات منجر به فرار متهم خواهد شد، با کسب دستور تلفنی از مقام قضایی وارد مخفیگاه متهم شدند و او را در حالی دستگیر کردند که قصد داشت با جمع آوری لوازم شخصی به مکان نامعلومی بگریزد. به گزارش خراسان، متهم ۲۲ ساله که توسط ستوان سوم محمدی به کلانتری منتقل شده بود، با حضور قاضی احمدی نژاد مورد بازجویی قرار گرفت و مدعی شد: دو برادر که سوار بر خودرو بودند از پشت سر خودرا به عقب موتورسیکلت من کوبیدند که به همین دلیل درگیری بین ما آغاز شد.

ثبت ۱۶ هزار نزاع فردی در مراجع انتظامی

توکلی- در ۹ ماهه امسال بیش از ۱۶ هزار و ۷۳۷ نزاع فردی در مراجع انتظامی استان کرمان ثبت شده است. فرمانده انتظامی استان کرمان گفت: پرونده این نزاع ها عمدتاً در رده کلانتری ها و پاسگاه ها تشکیل شده و با اقدامات مشاوره ای در نیروی انتظامی بالای ۶۰ درصد به مصالحه ختم شده است. سردار بنی اسدی فرروز گذشته در نشست خبری افزود: امسال ۲۷۷ فقره نزاع دسته جمعی نیز در استان کرمان گزارش شده است. وی اظهار کرد: خشونت به عنوان یک مسئله جدی در حال افزایش است که تبعات اجتماعی، خانوادگی و امنیتی مانند قتل، همسرآزاری، فرار از منزل، کاهش احساس امنیت و از هم گسیختگی خانواده را به دنبال دارد.

وی گفت: امسال ۸۷ فقره قتل در استان کرمان رخ داده که بدترین آن ها در فهرج بوده که علل این قتل در ۳ سطح بررسی شد. وی با تاکید بر این که ۷۵ درصد قتل های استان کرمان امنیتی نیست، افزود: قتل بیشترین تاثیر را بر احساس ناامنی در جامعه می گذارد و منجر به کاهش اعتماد و امنیت عمومی جامعه می شود.

دانش آموز ۱۶ ساله حساب معلمش را خالی کرد!

دانش آموزی که به حساب معلمش دستبرد زده بود با ردیابی های کارآگاهان پلیس ساری بازداشت شد.

به گزارش بلاغ به نقل از عصر ساری، رئیس پلیس فتای مازندران با اعلام این که دانش آموزی که به حساب معلمش دستبرد زده بود با ردیابی های کارآگاهان بازداشت شد، اظهار کرد: معلم وقتی راهی بانک شد تا پس اندازش را دریافت کند، ناگهان متوجه شد که حسابش خالی شده است.

حسن محمدنژاد در تشریح این سرقت، افزود: مأموران پس از تحقیقات ردپای پسر ۱۶ را در این سرقت اینترنتی کشف و متهم را دستگیر کردند. وی افزود: این دانش آموز در اعترافات خود گفته یک روز که برای تعلیم خصوصی به خانه معلمش رفته بوده در فرصتی مناسب اطلاعات حساب بانکی معلمش را یادداشت و مدتی بعد حساب وی را خالی کرده است.

۲ مجروح در زمین لرزه کازرون فارس

زمین لرزه ۴ و ۶ دهم ریشتری که ساعت ۱۴ و ۱۱ دقیقه روز گذشته در شهرستان کازرون به وقوع پیوست، فوتی در پی نداشت و فقط دو نفر بر اثر شکسته شدن شیشه واحد مسکونی مجروح شدند و به بیمارستان انتقال یافتند. فرماندار کازرون از توابع استان فارس در گفت وگو با ایرنا افزود: کانون این زمین لرزه، بوشیگان دیلمی از توابع کازرون بوده و به ۱۵ واحد مسکونی واقع در بافت قدیم روستاهای خشت که در نزدیکی کانون این زلزله قرار دارند، خسارت های جزئی مانند ترک برداشتن ساختمان ها وارد شده و چند مورد ریزش دیوار نیز گزارش شده است. سید کمال علوی بیان کرد: پس از وقوع این زمین لرزه، نیروهایی از اداره بنیاد مسکن شهرستان کازرون برای برآورد زیان های وارده به منطقه بوشیگان دیلمی و روستاهای خشت عزیمت کردند.

این زلزله که در عمق ۱۰ کیلومتری زمین رخ داد با چندین پس لرزه نیز همراه بود. شهرستان کازرون در فاصله ۱۲۰ کیلومتری غرب شیراز واقع شده است.

رمز ها و شگرد ها

داستان یک کلاهبرداری عجیب (۲)

وقتی کرکس ها بال باز می کنند...

سه ربع پیش با خانمی صحبت کردم و نشانی این شعبه رو داد؛ درست اومدم؟ رئیس شعبه به احترامم از پشت صندلی بلند شد. با وجود اضافه وزنش روی میز خم شد تا با هام دست بده.

بله. بفرمایید بنشینید. خیلی خوش اومدید جناب ...؟ پور حسینی هستم جناب.

بفرمائید بنشینید جناب پور حسینی. راستش این خونه داستان طول و درازی داره. هنوز ۴۸ ساعت نیست که اون اعلان رو نصب کردیم و اصلا انتظار نداشتیم به این سرعت کسی مایل باشه خونه رو ببینه. خب شما خونه رو از نزدیک دیدید؟

راستش همون طور که گفتم از طریق یکی از همکارها که توی همون محل هست متوجه موضوع شدم. چند وقتی دنبال یک ملک مناسب بودم، چند تا هم پیشنهاد بهم شد ولی خب چیز دندون گیری نبودن .... راستی مگه بانک هم این قدر گل درشت توی کار ملک و املاک وارد میشه؟

از حرفم خنده اش گرفت. از آن تیپ آدم هایی بود که خیلی زود با آدم جوش می خورن.

راستش نه، ما هم تشریفات خاص خودمون رو داریم. داستان این خونه این طوره که صاحبش سند رو گروی بانک میذاره و باهاش وام می گیره. اما موقع پرداخت قسط ها که میشه انگار آب شده و رفته زیر زمین. بانک هم روال اداری رو می گذرونه و مابقی داستان هم که مشخصه.

عجب. ببخشید در مورد خونه مطمئنید که صاحبش باهاش وام گرفته و این جور حرف ها؟ منظورم اینه نکنه بخواهیم خونه رو بخریم و فردا روزی برامون شَر درست بشه.

از اون نظر فکر نکنم به مشکلی بر بخوریم. هر چند دوستانه بگم اگر واقعا قصد خرید دارید بهتر است که چند ماهی صبر کنید. راستش رو بخواهید توی این جور موارد اگر خونه ای مصادره بشه بانک معمولا اعلام درون سازمانی می کنه تا اگر کارمندی تونست خونه رو صاحب شه. این طوری وجهه منفی هم برای بانک به وجود نمیاد. ولی ... خب راستش قیمت این خونه طوری نیست که بشه این کار رو کرد. جسارتا فراموش کردم شغل شریفتون رو بپرسم.

نیم خیز شدم و یک کارت ویزیت بهش دادم.

من استاد دانشگاه تهران و مهندس راه و ساختمونم. درباره قیمت خونه بحثی نداریم. پتانسیل شغلم اونقدری هست که حتی توی یک مدت کوتاه به اندازه ۳۰ سال خدمت خیلی از قشرها پول دربیارم؛ احیانا اگر هم چیزی کم و کسر باشه در این مدت اینقدر با بانک های مختلف کار کردم که با یک لب تر کردن یک وام درست و حسابی جور کنم. بحث من بیشتر در مورد اینه که بتونید یک ضمانت از یک خرید خوب و قانونی بهم بدید؛ می تونید؟

ادامه دارد

خط زرد

هشدار در ساخت و ساز!

- قبل از این که عملیات گودبرداری و حفاری شروع شود، اقدامات زیر باید انجام شود.
- موانعی از قبیل درخت، تخته سنگ و... از زمین مد نظر خارج شود.
- از طریق نصب شمع، سپر و مهارهای مناسب و رعایت فاصله مناسب و ایمن گودبرداری و در صورت لزوم با اجرای سازه های نگهبان قبل از شروع عملیات، ایمنی و پایداری دیوارها و ساختمان های مجاور آن ها تامین شود.

سازمان نظام مهندسی ساختمان خراسان رضوی

در امتداد تاریکی

عاشقی در فضای مجازی!

من عاشق گلپری بودم و در رویاهایم مدام به او فکر می کردم و فقط از دواج با او می توانست مرا آرام و راضی کند اما انگار نمی دانستم این عشق یک طرفه است و...

مرد جوان در حالی که اشک از چشمانش جاری شده بود و از شدت ناراحتی و غم نمی توانست سر پا بایستد، با دلی آزرده، به کارشناس و مددکار اجتماعی کلانتری گلشهر مشهد گفت: من عاشق دختری بودم که حس می کردم بدون او زنده نخواهم ماند، اما اشتباه می کردم. زمانی که در فضای مجازی با گلپری آشنا شدم هیچ وقت فکر نمی کردم که عاقبت به چنین روزی گرفتار شوم. حالا به نصیحت های مادرم می رسم که می گفت زنی که از اینترنت پیدا کردی به درد زندگی نمی خورد! اما من آن موقع کور و کر شده بودم و پند و اندرز خانواده ام را نمی شنیدم زیرا دلبری ها و پیامک های عاشقانه گلپری مرا وابسته و عاشق خودش کرده بود. از این رو با لجبازی و قهر، خانواده ام را مجبور کردم تا به خواستگاری گلپری برویم. بعد از چند جلسه خواستگاری و پذیرفتن خواسته های بی چون و چرای گلپری قرار عقد را گذاشتیم، در حالی که مادرم آرزوهای زیادی برای تنها پسرش در سر می پروراند و مرا با سختی و زحمت زیادی تا به این جا رسانده بود. هنگامی که مراسم عقد برگزار شد، با امضای سند ازدواجمان همانند پرنده ای آزاد و خوشبخت همراه گلپری به پرواز در آمدم تا به اوج خوشبختی برسم، اما در مدت کوتاهی متوجه شدم که گلپری آن دختری که من در رویاهایم با او سعادتمند بودم نیست و به گفته خودش ازدواج کرده تا فقط از سخت گیری های پدرش رهایی یابد. او با ظاهری زننده در خیابان ها حاضر می شد به طوری که از همراه بودن با او خجالت می کشیدم اما چاره ای نداشتم و رفتار و گفتار ناپسندش را تحمل می کردم. درواقع آن همه اصرار و پافشاری که برای ازدواج با او داشتم را نمی توانستم نادیده بگیرم از این رو با شرمندگی به زندگی با گلپری ادامه می دادم. از سویی دیگر همسرم به اعتقادات و علایق من هیچ اهمیتی نمی داد و هرگونه که دوست داشت در میهمانی ها و مجالس حاضر می شد و تلاش من برای تغییر دادن وضع ظاهری او هیچ نتیجه ای نداشت. علاوه بر این ها او دوستان زیادی داشت و همیشه با سیم کارت های مختلفی با آن ها ارتباط برقرار می کرد و ساعت ها با تلفن همراهش سرگرم بود. با دیدن این وضعیت گلپری خانواده ام را مقصر می دانستند اما او شیطانی بود در نقاب دختری خوب و نجیب که مرا نیز فریب داده بود. بارها به خودم دلداری می دادم که شاید از مسیر بیراهه ای که پا گذاشته است برگردد اما بی فایده بود. این در حالی است که سه ماه از زندگی مشترکمان می گذرد و اما در همین مدت کوتاه آن قدر خسته و افسرده شده ام که حتی در خلوت خودم هم جرات نکرده ام از رفتارهای او حرفی بزنم. تا این که یک روز در منزل خودم شاهد خیانت همسرم بودم. با دیدن این صحنه شرم آور چون کوهی از درون تهی گشتم. زانوهایم خم شد و به زمین افتادم!...

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی